

۱۰۰ کتاب خوب برای همه کودکان و نوجوانان ایران

کتاب ۱۱ کودک شیردل

عنوان: ۱۰۰ کتاب خوب، برای همه کودکان و نوجوانان ایران.
کتاب ۱۱:
کودک شیردل
پدیدآورنده: حسین لطف‌آبادی
زبان نوشتاری: فارسی و انگلیسی
نوع کتاب (ژانر): ادبیات روان‌شناختی و آموزشی و پرورشی کودکان
موضوع کتاب (سوژه): آموزش دلیری بر اساس دانش روان‌شناسی تربیتی برای کودکان
گروه سنی: کودکان پیش‌دبستانی و دبستانی
الف- لطف‌آبادی، حسین
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا
رده‌بندی دیوئی: ۵۹۹/۷۵۷ [ج ۱]
شابک (ISBN): ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۸۹-۱۰-۴
کتاب‌شناسی ملی ایران: ۴۱۹۸۰۹۶
تاریخ صدور مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد: ۹۵/۳/۲۳

ناشر: انتشارات حکیم فردوسی، تهران
چاپ یکم: ۱۳۵۷، ۲۰۰۰ جلد، مصور
تصاویر، گرافیک، صفحه‌آرایی، و چاپ:
آتلیه انتشارات حکیم فردوسی
دیزاینر: عاطفه محمدی
کلیه حقوق چاپ و سرانجام برای انتشارات حکیم فردوسی محفوظ است. هر گونه اقتباس و ترجمه از تمام یا بخشی از این کتاب، به صورت بازسازی، ذخیره‌سازی در سیستم‌های، یا انتقال به هر شکل و به هر صورت دیگر، اعم از الکترونیکی، مکانیکی، تصویربرداری، و ضبط و غیره، بدون اجازه قبلی و کتبی انتشارات حکیم فردوسی ممنوع است.
نشانی: تهران، ولنجک، خ گلستان یکم، پلاک ۱۰، واحد ۸ (کد پستی ۱۹۸۴۷۱۴۶۵۸)
تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۰۹۵۲۰
Website: www.hakimferdowsi.com
Email: info@hakimferdowsi.com

راهنمای خواندن کتاب کودک شیردل

هدف از تدوین یازدهمین کتاب از مجموعه «۱۰۰ کتاب خوب برای همه کودکان و نوجوانان ایران»، که نام آن را «کودک شیردل» گذاشته‌ام، آموزش دلیری و اعتماد به نفس و خودکارآمدی و بالا بردن احترام به خود در کودکان و نوجوانان است.

روش کار این است که ابتدا توضیحات زیر را با دقت مطالعه بفرمایید و آنگاه مطالب هر صفحه از کتاب را برای کودک یا نوجوان توضیح دهید و با او گفتگو کنید.

ایرانیان از چند هزار سال پیش تا کنون، خصال انسانی خوب به شیر نسبت داده و او را نماد نیرومندی و دابری و استواری و همراهی و همکاری دانسته و مورد علاقه و احترام خویش قرار داده‌اند. از آنجا که این ویژگی‌ها برای زندگی سالم و انسانی ضروری است و در نقطه مقابل خصال منفی هستی و ترس و تظاهر و خودخواهی و فرومایگی است، در این کتاب کوشیده‌ام با تقویت علاقه مدنی به شیر و همانندسازی با آن، ویژگی‌های مثبت انسانی را در کودکان و نوجوانان تقویت کنم.

پژوهش‌های ما در روان‌شناسی تربیتی کودکان و نوجوانان در ایران نشان می‌دهد که از میان چهار شیوه پرورشی (یعنی روش اقتدارگرای و فرماندهی، روش خدمتگزاری، روش طرد و غفلت، و روش اصولی و مقتدرانه)، روش نادرست اول رواج بیشتری دارد.

بسیاری از کودکان و نوجوانان در محیط خانوادگی و آموزشی و پرورشی و اجتماعی، با روش‌های فرماندهی-فرمانبری و اطاعت از دیگران و چون رجز نکرده بزرگ می‌شوند. این نوع از کودک‌پروری اقتدارگرایانه بزرگسالان و تسلیم‌شدگی خردسالان، کودکان و نوجوانان را دچار ترس و تظاهر و پنهان‌کاری و دروغ‌گویی و گرفتار یک مجموعه آسیب‌های روانی و اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی می‌کند که رشد طبیعی نیرومندی و دلیری و سرافرازی را در آنان مانع می‌شود.

از سوی دیگر، کودکان و نوجوانانی که مورد مراقبت بیش از حد هستند و پرتوقع و گیرنده بزرگ می‌شوند، در سال‌های بعدی زندگی از رو به رو شدن واقع‌بینانه با مسائل زندگی اجتناب می‌کنند، ظاهراً دارای اعتماد به نفس اما در واقع کم‌توان هستند، جرأت دست و پنجه نرم کردن با مشکلات بزرگ را ندارند و به خودنمایی و چهره‌پردازی روی می‌آورند، آمادگی برای زندگی مستقل را پیدا نمی‌کنند، ناراضی و مدعی و طلبکار و دارای سرافرازی دروغین می‌شوند و از اخلاق سالم انسانی فاصله می‌گیرند.

سومین روش پرورش نادرست، یعنی روش طرد و غفلت در برخورد با کودکان و نوجوانان، نیز که رواج گسترده‌ای دارد، موجب فقر حرمت نفس و باعث احساس حقارت و لمپنیسم و انتقام‌جویی از این و آن می‌شود که در نقطه مقابل دلیری و سرافرازی است.

این سه روش پرورش کودکان و نوجوانان باعث می‌شود که آنان در جوانی و بزرگسالی نیز شهروندانی پرمسأله باشند و تمام جامعه و زندگی سالم شهروندی و رعایت حقوق انسانی دیگران را نیز به مشکلات اساسی گرفتار سازند.

راه درست در تربیت کودکان و نوجوانان آن است که مهرورزی و جدیت و حرمت انسانی را مقتدرانه و پیگیرانه به کار گیریم و بکوشیم آنان را نیرومند و دلیر و اندیشمند و دانا و با اخلاق انسان‌دوستانه تربیت کنیم.

تأکید این کتاب بر پرورش کودکان و نوجوانان نیرومند و دلیر است. دلیر بودن به معنای جرأت داشتن در مقابله با مشکلات و نبرد کردن برای حل مسائل است. این نبرد می‌تواند از نوع دفاع یا حمله باشد که برای پیروز شدن در آن‌ها باید نیرومند و استوار و دلیر بود. این نوع از تربیت اصولی و مقتدرانه برای پرورش دلیری و نیرومندی، دارای شش شرط اساسی است:

شرط اول برای دستیابی به نیرومندی و دلیری، برخورداری از یک باور درونی در مورد ضرورت پیمودن راه درست و اجتناب از راه‌های خطاست. به بیان دیگر، کودکان و نوجوانان باید بیاموزند که اخلاق و فضایل انسانی است که پشتوانه دلیری و شجاعت است.

شرط دوم آن است که والدین، به عنوان پدر و مادر و مربی و معلم، افرادی دلیر و استوار باشیم تا کودکان و نوجوانان از ما بیاموزند که چنین باشند.

شرط سوم آن است که آنان را رو در روی چالش‌های گوناگون، که هر بار اندکی دشوارتر از تجربه‌های پیشین آنان باشد، قرار دهیم تا شتابانی کنیم که با آن چالش‌ها دست و پنجه نرم کنند و وقتی موفق می‌شوند آنان را تشویق کنیم و پاداش بدهیم.

شرط چهارم آن است که بدانیم دلیری از اندیشه درست برمی‌خیزد و از طریق گفتگوهای دوستانه و آرام و آزاد و جدی با کودکان و نوجوانان، شناساندن درست واقعیت‌های زندگی به آنان است که می‌توانند یاد بگیرند در برخورد با مشکلات، کنش و واکنش‌های شجاعانه بدنی و فکری و احساسی و زبانی مناسب داشته باشند. همچنین، آموزش شجاعت انسانی بدون داشتن روابط گرم و احترام و اعتماد متقابل بزرگسالان با کودکان و نوجوانان غیرممکن است.

شرط پنجم آن است که تاریخ و فرهنگ و میراث‌های ملی و قومی و محلی و خانوادگی را پشتوانه دلیری کودکان و نوجوانان قرار دهیم.

شرط ششم آن است که مراقبت کنیم وقت کودکان و نوجوانان صرف برنامه‌های تلویزیونی و اینترنتی و بازی‌های کامپیوتری نامناسب نشود. در عوض، خواندن کتاب‌هایی که روحیه نیرومندی و خودکارآمدی و دلیری را در آنان برانگیزد و ارائه الگوهایی که بتوانند آن‌ها را در خود درونی سازند، مثلاً خواندن و درونی کردن ویژگی‌های همین شیربچه‌ای که قهرمان و شخصیت اصلی این کتاب است، تأثیر بزرگی در کاهش ترس و دروغ و خودخواهی و احساس حقارت درونی و در افزایش نیرومندی و دلیری آنان دارد.